

**گفتاری در باب ضرورت انجام تصدیق امضاء الکترونیکی در دفاتر اسناد رسمی
بررسی اجمالی قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۱۷**

خسرو عباسی داکانی^۱





پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

گفتاری در باب ضرورت انجام تصدیق امضاء الکترونیکی در دفاتر اسناد رسمی بررسی اجمالی قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۱۷

چندین سال است که در رابطه مبادلات جهانی کالاها موضوع تجارت الکترونیک مطرح گردیده و در این راستا قوانین مربوطه نیز در کشورهای پیشرفته و توسعه یافته به تصویب رسیده و به اجرا درآمده است. در کشور ما نیز به تازگی برای آنکه از قافله تجارت جهانی عقب نمانیم، مسئولان و دست‌اندرکاران طرحی در خصوص مورد تهیه نمودند که با عنوان «قانون تجارت الکترونیکی» در تاریخ ۱۳۸۲/۱۰/۱۷ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید که منبث از مقررات مدون کشورهای مزبور می‌باشد و همانطور که در ماده یک آن مقرر شده است قانون مزبور مجموعه اصول و قواعدی را شامل می‌شود که برای مبادله آسان و ایمن اطلاعات در واسطه‌های الکترونیکی و با استفاده از سیستم‌های ارتباطی جدید به کار می‌رود.

از آنجا که در ماده ۶ قانون مزبور پیش‌بینی و مقرر گردیده است که «هرگاه وجود یک نوشته از نظر قانون لازم باشد (در ارتباط با مبادلات اموال و کالاها) «داده پیام» در حکم نوشته است مگر در موارد ذیل: الف - اسناد مالکیت اموال غیرمنقول ب - فروش مواد دارویی به مصرف‌کنندگان نهایی ج - اعلام، اخطار و هشدار و یا

عبارات مشابهی که دستور خاصی برای استفاده کالا صادر می‌کند و یا از بکارگیری روشهای خاصی به صورت فعل یا ترک فعل منع می‌کند همچنین چون در ماده ۷ مقرر شده است که هرگاه قانون، وجود امضاء را لازم بداند امضای الکترونیکی مکفی خواهد بود و در ماده ۸ نیز پیش‌بینی شده است که هرگاه قانون لازم بداند که اطلاعات به صورت اصل ارائه یا نگهداری شود این امر یا نگهداری و ارائه اطلاعات به صورت داده پیام نیز در صورت وجود شرایط زیرا امکان‌پذیر می‌باشد. الف) - اطلاعات مورد نظر قابل دسترسی بوده و امکان استفاده در صورت رجوع بعدی فراهم باشد ب) - داده پیام به همان قالبی (فرمتی) که تولید، ارسال و یا دریافت شده و یا به قالبی که دقیقاً نمایشگر اطلاعاتی باشد که تولید، ارسال و یا دریافت شده، نگهداری شود. ج) - اطلاعاتی که مشخص‌کننده مبداء، مقصد، زمان ارسال و زمان دریافت داده پیام می‌باشند نیز در صورت وجود نگهداری شوند.

فلذا اطمینان یافتن از صحت جریان صدور امضاء و سابقه الکترونیکی آن امری بسیار حیاتی می‌باشد و این موضوعی است که در فصل اول قانون بدان توجه شده است. زیرا داده پیامها از این پس می‌توانند به موجب مقررات فصل دوم قانون مزبور ارزش اثباتی یافته و به عنوان ادله اثباتی در محاکم و ادارات دولتی پذیرفته شوند و از حیث محتویات و امضاء مندرج در آن و تعهدات طرفین و کلیه اشخاص قائم‌مقام آنان و اجرای مفاد داده پیامها و سایر آثار آنها به موجب ماده ۱۴ قانون مزبور در حکم اسناد معتبر و قابل استناد در مراجع قضایی و حقوقی می‌باشند. و به موجب ماده ۱۵ همان قانون نسبت به داده پیام مطمئن، سوابق الکترونیکی مطمئن و امضای الکترونیکی مطمئن انکار و تردید مسموع نیست و تنها می‌توان ادعای جعلیت به داده پیام مزبور وارد و یا ثابت نمود که به جهتی از جهات قانونی از اعتبار افتاده است، درست مشابه همان آثار حقوقی که در قانون ثبت و دفاتر اسناد رسمی برای اسناد رسمی شناخته شده است. و همانند آثار حقوقی سوابق اسناد تنظیمی و گواهی امضاآت تصدیق شده در دفاتر اسناد رسمی در ماده ۱۶ سوابق داده پیام که در نزد

شخص ثالث با رعایت مفاد ماده ۱۱ این قانون ثبت و نگهداری می‌شود نیز مقرون به صحت شناخته شده است.

بنابراین، صحت انتساب داده پیام به اشخاص ذینفع و صادرکننده آن و تصدیق آن از سوی مرجع صالح رسمی امری است که هیچ‌کس نمی‌تواند منکر اهمیت اساسی آن در این فرایند باشد. در نتیجه می‌بایستی اشخاصی بدین منظور تعیین و گمارده شوند تا فرایند تولید، صدور، ذخیره، ارسال، تأیید، ابطال و به روز نگهداری این قبیل داده پیامها و اطلاعات و امضانات از هرگونه خدشه و تزلزل و سهل‌انگاری یا قصور و تقصیر یا بی‌اعتمادی و عدم اطمینان مصون مانده و مانع از تردید و نگرانی مراجعین و استفاده‌کنندگان از گواهی‌های مربوطه در خصوص مورد باشند. در همین راستا و به همین منظور، باب دوم قانون مزبور (که دقیقاً ترجمه قوانین کشورهای خارجی است) دفاتری را پیش‌بینی و مقرر نموده که تحت عنوان «دفاتر صدور خدمات گواهی الکترونیکی» (Certification (Service) provider) می‌بایستی تأسیس شوند و مطابق ماده ۳۱ قانون (دفاتر مزبور واحدهایی هستند که برای ارائه خدمات صدور امضای الکترونیکی در کشور تأسیس می‌شوند. این خدمات شامل تولید، صدور، ذخیره، ارسال، تأیید، ابطال و به روز نگهداری گواهی‌های اصالت (امضای) الکترونیکی هستند) و در ماده ۳۲ نیز ضوابط تأسیس و شرح وظایف دفاتر مزبور به تصویب آئین‌نامه موکول شده است که پس از تهیه می‌بایستی به تصویب هیأت محترم وزیران برسد.

از آنجا که مسئولیت قانونی و حقوقی این گونه خدمات بسیار مورد توجه و عنایت قانونگذار بوده است، باب چهارم قانون مزبور به جرائم و مجازاتهای قانونی ارتکاب جرائم و تخلفات در این حوزه اختصاص یافته و مجازات‌های سنگینی در هر مورد مقرر گردیده است و در مواردی که مؤسسات ذیربط در این حوزه خساراتی به اشخاص ذینفع وارد نمایند مسئولیت مدنی در خصوص جبران خسارات وارده نیز پیش‌بینی شده است و در پایان در ماده ۷۹ نیز مقرر گردیده است که

وزارت بازرگانی موظف است زمینه‌های مرتبط با تجارت الکترونیکی را که در اجرای این قانون مؤثر است شناسایی نموده و با ارائه پیشنهادهای لازم و با تأیید شورای عالی فناوری اطلاعات خواستار تدوین مقررات مربوطه و آئین‌نامه‌های این قانون توسط نهادهای ذیربط شود.

در اجرای قانون تجارت الکترونیکی آنچه برای قوه قضائیه و سازمان ثبت و دفاتر اسناد رسمی حائز اهمیت و در ارتباط تنگاتنگ با وظایف و مسئولیت‌های محوله به مراجع مذکور می‌باشد، مسائل قضایی و حقوقی و قانونی مربوط به موضوع فرایند تولید، صدور، ذخیره، ارسال، تأیید، ابطال و به روز نگهداری گواهی‌های اصالت (امضای) الکترونیکی می‌باشد که می‌تواند در صورت عدم توجه و نظارت کافی در امر تهیه و تصویب مقررات مربوطه و تعیین مراجع ذیصلاح قانونی برای تصدیق دفاتر خدمات صدور گواهی الکترونیکی موجب بروز مسائل و مشکلات پیچیده و عدیده اجتماعی، حقوقی، قضایی، مالی و اداری گردیده و باب جدیدی از دعاوی و شکایات را مفتوح نموده و بر حجم و تراکم پرونده‌ها در مراجع قضایی افزوده و از بعد کلان مدیریت اجتماعی مشکلات جدید و متنوع و بیشماری را برای مسئولان و متولیان محترم قوه قضائیه و قضات و مجریان قوانین ایجاد نماید.

در همین راستا مداخله و اهتمام جدی قوه قضائیه و وزارت دادگستری در امر تهیه و تدوین و تصویب آئین‌نامه‌های قانون مزبور از اهمیت اساسی برخوردار می‌باشد اما متأسفانه ظاهراً طرح آئین‌نامه قانون مزبور توسط وزارت بازرگانی با مشارکت ضعیف نماینده وزارت دادگستری تهیه گردیده و جهت تصویب به هیأت وزیران پیشنهاد شده است و صد افسوس که هیچگونه جایگاهی برای قوه قضائیه و وزارت دادگستری و سازمان ثبت اسناد و املاک و دفاتر اسناد رسمی در آن پیش‌بینی نگردیده است.

و این در حالی است که بنابر تجارب کشورهای پیشرفته و توسعه یافته که قانون مزبور دقیقاً ترجمه و اقتباس از قوانین کشورهای مزبور و قوانین و مقررات و موازین

مورد تصویب آنکتاب (نهاد و مؤسسه ذیربط و ذیصلاحیت سازمان ملل متحد در خصوص تجارت الکترونیکی جهانی و بین‌المللی) می‌باشد، امر تأسیس دفاتر خدمات صدور گواهی الکترونیکی در حوزه فعالیت دفاتر اسناد رسمی قرار می‌گیرد که زیرمجموعه قوه قضائیه می‌باشند و از تجارب فراوان و طولانی در امر تهیه و تنظیم اسناد رسمی و صدور گواهی و تصدیق امضاء اشخاص برخوردار بوده و مأمورین رسمی دولت به موجب مقررات جاری در این خصوص تلقی می‌شوند و ابلاغ اشتغال به کار آنها در حرفه مزبور توسط عالیترین مقامات رسمی هر یک از کشورها صادر می‌شود و نوع فعالیت قانونی ایشان دقیقاً نوع سنتی همین گونه فعالیت‌های الکترونیکی محسوب می‌شود و قوانین و مقررات حاکم و جاری بر فعالیت‌های ایشان در بسیاری از موارد مشابه مقرراتی است که بر فعالیت‌های دفاتر الکترونیکی مزبور در طرح آئین‌نامه اجرائی و قانون تجارت الکترونیکی پیش‌بینی و مقرر شده است.

مضافاً به اینکه در ماده ۹ قانون نیز پیش‌بینی و مقرر شده است که هرگاه شرایطی به وجود آید که از مقطعی معین ارسال «داده پیام» خاتمه یافته و استفاده از اسناد کاغذی جایگزین آن شود سند کاغذی که تحت این شرایط صادر می‌شود باید به طور صریح ختم تبادل «داده پیام» را اعلام کند و جایگزینی اسناد کاغذی به جای داده پیام اثری بر حقوق و تعهدات قبلی طرفین نخواهد داشت. به عبارت دیگر در برخی مواقع متعاملین ناگزیر خواهند شد که معامله خود را به صورت کتبی و بر روی کاغذ به انجام برسانند پس حال که اینطور است کدام گزینه می‌تواند مناسبتر از دفاتر اسناد رسمی و سردفتران برای تصدی این مسئولیت باشد زیرا تنظیم اسناد رسمی و تصدیق امضاء وظیفه اصلی و رسمی و قانونی دفاتر اسناد رسمی و سردفتران می‌باشد و در انجام آن از تبحر و تجربه و تخصص کافی برخوردار هستند و از نظر نگهداری سوابق و نسخه‌های پشتیبان نیز تمرکز امور در دفاتر اسناد رسمی بسیار مفید و مناسب بوده و موجب جلوگیری از پراکندگی و فقدان و تشتت در امر

نگهداری اسناد و سوابق آن خواهد شد. اما متأسفانه در هیچ یک از موارد نه تنها برای دفاتر اسناد رسمی بلکه برای سازمان ثبت اسناد و املاک و قوه قضائیه که بسیاری از موارد معنونه در قانون مزبور و آئین‌نامه آن در ارتباط نزدیک با حوزه مسئولیت‌ها و وظایف ایشان قرار می‌گیرد نقشی ولو اندک قایل نشده‌اند.

در حالی که با توجه به حساسیت این گونه امور موضوع فعالیت دفاتر خدمات الکترونیکی مزبور با توجه به مصالح نظام و مقتضیات کشور نمی‌تواند به اشخاص خصوصی موضوع طرح آئین‌نامه مذکور محول شود و نیاز به افراد شناخته شده‌ای از بخش خصوصی می‌باشد که تحت نظارت مستقیم مقامات صلاحیت‌دار دولتی براساس تخصص و شایستگی بدین امر گمارده شوند. و از آنجا که دفاتر اسناد رسمی که از لحاظ قوانین و مقررات جاری جزء بخش خصوصی محسوب می‌شوند و نماینده‌ای از سوی دولت نیز در کنار ایشان حضور داشته و نقش مستقیم در انجام وظایف محوله قانونی به دفاتر مزبور دارند. و در حدود هشتاد سال است که زیر نظر سازمان ثبت و قوه قضائیه بر امر تنظیم اسناد رسمی و تصدیق امضاء مراجعین همت گمارده‌اند و با درایت مسئولان محترم سازمان ثبت و قوه قضائیه در جای جای میهن اسلامی مستقر گردیده و به انجام وظایف محوله اشتغال دارند و جملگی از کارشناسان حقوقی و قضایی محسوب می‌شوند که سوابق قضایی و اداری فراوانی را نیز در کارنامه شغلی خویش به ثبت رسانده‌اند و از امکانات مالی و اداری و پرسنل کافی و متبحر نیز برخوردار می‌باشند و از سوی دیگر نیز هیچگونه تحمیل و بار مالی بر دوش دولت ندارند، با توجه به مندرجات طرح آئین‌نامه مزبور می‌توانند به عنوان بهترین گزینه در راستای اجرای قانون تجارت الکترونیکی در خصوص موضوع تأسیس دفاتر خدمات الکترونیکی به کار گرفته شوند و کانون سردفتران نیز زیر نظر سازمان ثبت اسناد و املاک کشور می‌تواند در خصوص اجرای هرچه بهتر قانون و ایجاد هماهنگی‌های لازم همکاری‌های بی‌شائبه خویش را ارائه دهد.

همچنین از مطالعه طرح آئین نامه مزبور این نتیجه حاصل می‌شود که تنها چیزی که لازمه اجرای قانون در خصوص مورد توسط دفاتر اسناد رسمی می‌باشد ضرورت آموزش سردفتران و یا استخدام کارمندان متخصص در امر رایانه و خدمات دیجیتال می‌باشد که این امر نیز به راحتی و با استفاده از امکانات قانون سردفتران و دفتریاران میسر می‌باشد و هیچگونه بار مالی نیز برای دولت معظم جمهوری اسلامی ایران ایجاد نخواهد کرد.

از دیگر مسائل مطروحه در آئین نامه، مراجعی است که در آئین نامه برای انجام خدمات الکترونیکی پیش‌بینی و مقرر گردیده است که عبارتند از: ۱- مرکز صدور گواهی الکترونیکی ۲- دفتر ثبت گواهی الکترونیکی ۳- دفتر خدمات گواهی الکترونیکی که با مطالعه مقررات مربوطه و شرایط و ویژگی‌های مربوطه این‌طور استنباط می‌شود که مرکز صدور گواهی الکترونیکی می‌تواند به عنوان بخشی از یکی از معاونت‌های سازمان ثبت با توجه به وظایف سازمان در خصوص اشخاص حقوقی و شرکتها و علائم و اختراعات تجارتي و حق مؤلف و تنظیم و ثبت اسناد و تصدیق امضاء، نقش حیاتی و قانونی خویش را در امر راه‌اندازی دفاتر خدمات الکترونیکی و نظارت بر فعالیت آنها ایفاء نماید.

همچنین کانون‌های سردفتران در استانهای کشور نیز می‌توانند یکی از معاونت‌های خود را به عنوان دفتر ثبت گواهی الکترونیکی به سازمان ثبت اسناد و املاک معرفی نمایند تا نقش واسطه را در خصوص مورد و انجام وظایف محوله ایفاء نمایند.

به علاوه دفاتر اسناد رسمی نیز می‌توانند به عنوان بازوی اجرایی سازمان ثبت و مرکز مزبور وظیفه قانونی محوله به دفاتر خدمات گواهی الکترونیکی را به خوبی و با دانش و آگاهی حقوقی و قضایی خاص خویش به انجام برسانند و یکی از دفتریاران خویش را نیز از میان تحصیلکردگان و کارشناسان امور و خدمات الکترونیکی و رایانه‌ای انتخاب و با صدور ابلاغ از سوی سازمان ثبت برای ایشان از

نظر فنی به نحو مطلوب به اجرای وظایف قانونی پردازند.

از طرف دیگر، از آنجا که بسیاری از مقررات آئین‌نامه در خصوص تشکیل و تأسیس دفاتر خدمات الکترونیکی و شرایط و مقررات مربوط به فعالیت‌های ایشان و ضمانت اجراها و سیستم‌های نظارتی در خصوص تنظیم اسناد و تصدیق امضاء کاغذی و دفتری به شیوه سنتی قبلاً در قوانین ثبت و دفاتر اسناد رسمی و آئین‌نامه‌های مربوطه برای سردفتران و دفتریاران پیش‌بینی و مقرر گردیده است، بنابراین تنها برخی بخش‌های جدید که ضرورت تهیه و تصویب آئین‌نامه برای آنها احساس می‌شود باقی خواهد ماند که در چند ماده به طور مختصر قابل تدوین و تصویب خواهند بود و از مقررات و قوانین یاد شده می‌توان در این خصوص نیز استفاده نموده و مورد استناد قرار داد.

از دیگر مطالبی که می‌توان در راستای ضرورت ارجاع امر صدور گواهی‌های امضاء الکترونیکی به دفاتر اسناد رسمی برشمرد، آن است که مسأله احراز هویت و اهلیت و قصد و رضای اشخاص و عدم اکراه و اضطرار آنان در امر تصدیق امضاء الکترونیکی تنها از عهده اشخاصی برخوردار آمد که در رشته حقوق متخصص بوده و سوابق اجرایی و عملی در این خصوص داشته باشند. بنابراین گماردن سران دفاتر اسناد رسمی در سمت مسئول دفاتر صدور گواهی‌های الکترونیکی به دلالت عقل و منطق برگماردن سایر اشخاص از قبیل کارشناسان رشته‌های تجارت، اقتصاد، مدیریت و بازرگانی و امور الکترونیک و رایانه بدین سمت ارجحیت دارد، زیرا اشخاص مزبور با وجود تخصص در رشته‌های تحصیلی خویش هرگز نمی‌توانند به ظرافت مسائل حقوقی و قضایی مربوط به موضوع صدور گواهی‌های مزبور اشراف و آگاهی داشته و نخواهند توانست از عهده اجرای وظایف قانونی در خصوص مورد و ایجاد اطمینان از صحت جریان و فرایند صدور و تأیید و تصدیق امضانات الکترونیکی برآمده و در عمل موجب بروز و ورود خسارات سنگین مادی و معنوی

خواهند گردید و لذا به زودی سیل شکایات و دعاوی در نتیجه به سوی محاکم دادگستری سرازیر خواهد شد.

همچنین با توجه به مهیا بودن دفاتر اسناد رسمی و گستردگی حضور و فعالیت‌های ایشان در سراسر کشور، این مزیت را دارا می‌باشند که اجرای قانون در مدت کوتاهی پس از تصویب آئین‌نامه و با تجهیز دفاتر اسناد رسمی به برنامه‌های نرم‌افزاری مربوطه و افراد متخصص میسر خواهد شد زیرا با توجه به اینکه دفاتر اسناد رسمی به طور کامل از سخت‌افزارهای لازم و دستگاه‌های رایانه‌ای برخوردار هستند و افراد متخصص برای کار با رایانه را نیز در استخدام خویش دارند این امکان را فراهم می‌سازند تا بدون اتلاف وقت و هزینه‌های فراوان از سوی دستگاه‌های دولتی موجبات امکان اجرای قانون را در ذیل فعالیت‌های جاری خویش به سرعت فراهم نمایند و این فعالیت‌ها با توجه به گستردگی دفاتر در سراسر کشور به سهولت و سرعت می‌تواند در سراسر کشور به طور هماهنگ به اجرا درآید و از فعالیت‌های موازی و تکراری نیز جلوگیری خواهد شد.

سازمان ثبت اسناد و املاک نیز که متولی امور دفاتر اسناد رسمی می‌باشد به سهولت و سرعت می‌تواند امر تأسیس دفاتر خدمات صدور گواهی امضاء الکترونیکی را در ذیل دفاتر اسناد رسمی موجود مدیریت نموده و در مدت کوتاهی زمینه اجرای قانون تجارت الکترونیکی را در بخش مزبور فراهم نماید و از سوی دیگر ضرورت تأسیس نهادهای موازی در سایر وزارتخانه‌ها با زمینه‌های فعالیت مشابه و یکسان که موجب تحمیل هزینه‌های جدید بر دولت و تأمین مالی آن در بودجه عمومی کشور خواهد شد را نیز منتفی می‌سازد و این امر نکته بسیار مهمی است که در شرایط اقتصادی کنونی کشور نمی‌توان از آن غافل شد و بدان اهمیت نداد.

بنابراین با توجه به مطالب عرضه شده در این گفتار به نظر می‌رسد اقدامی جدی در خصوص تجدیدنظر در خصوص طرح آئین‌نامه اجرایی ماده ۳۲ قانون تجارت

الکترونیکی و واگذاری امر انجام خدمات مربوط به صدور گواهی امضاء الکترونیکی به دفاتر اسناد رسمی ضروری به نظر می‌رسد و امید می‌رود مسئولین محترم قوه قضائیه و سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و کانون سردفتران و دفتریاران به سرعت و با جدیت وارد صحنه گردیده و با احساس ضرورت جدی قضیه در امر تهیه و تصویب آئین‌نامه اجرایی مزبور فعالانه مشارکت نموده و مانع از تصویب مقرراتی گردند که بدون توجه به واقعیات و گزینه‌های مرجح در حال تصویب در هیأت وزیران می‌باشد و نه تنها مشکلی را حل نخواهد کرد، بلکه ممکن است بر دامنه مشکلات موجود افزوده و خود به مانعی در راه تسهیل و تسریع در انجام مبادلات بازرگانی جهان الکترونیک تبدیل شود. این گفتار را در همین جا به پایان می‌برم و امیدوارم سودمند بوده باشد.

